

بررسی شاخص‌های ارتقای وضعیت ایمنی، امنیت شغلی و دستمزد کارگران

حداقل الزامات در محیط کار چیست؟

دستمزد این افراد برابر با حقوق کارگران شاغل در کارهای عادی و کم‌خطر نباشد.

طبقه‌بندی شغلی، الزام کارهای پرمخاطره

ساداتی همچنین اجرای طبقه‌بندی مشاغل را از دیگر الزامات حوزه کار برشمرد و افزود: «طبقه‌بندی مشاغل و رتبه‌بندی شغلی باید در دستور کار قطعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باشد. در این صورت شاغلان کارهای سخت و زیان‌آور به‌ویژه کارگران حوزه معدن به واسطه سختی و مخاطرات شغلی، رتبه‌بندی شده و از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند. وزارت کار براساس قانون باید طبقه‌بندی مشاغل را برای همه کارگاه‌های مشمول و به‌طور خاص برای کارگاه‌های پریسک اجرایی کند. این اقدام به افزایش بازرسی‌های حوزه کار و الزام کارفرمایان به اجرای قوانین و مقررات این بخش نیاز دارد. در این صورت حقوق و دستمزد جامعه کارگری برمبنای طبقه‌بندی مشاغل پرداخت و حداقل این بخش از دغدغه نیروی کار برطرف می‌شود.»

این کارشناس حوزه کارگری چنین گفت: «در این ارتباط پرسش این است که چرا کارگران شاغل در کارهای پرمخاطره به‌ویژه شاغلان بخش معدن باید حقوق و دستمزدی برابر با کارگران بخش اداری همان کارگاه‌ها داشته باشند؛ این نوع نظام پرداخت محصول فرار کارفرمایان از اجرای طبقه‌بندی مشاغل است.»

احتمال کمبود کارگر در کارهای با ریسک بالا

این فعال و کارشناس حوزه کار در ادامه احتمال کمبود نیروی کار کارگری در حوزه معدن را به دلیل مخاطرات بالای حوزه حوادث مطرح و تأکید کرد: «مشکلات و چالش‌های موجود در حوزه مشاغل دارای ریسک بالای حوادث، موجب عدم تمایل نیروی کار به اشتغال در این حوزه‌ها می‌شود و اعتبار مشاغل اشاره‌شده را با خطر مواجه می‌کند. این مجموعه اتفاقات کمبود نیروی کار در حوزه معدن را رقم می‌زند.»

او اضافه کرد: «حتی در صورت استمرار این وضعیت، شاید در سال‌های آینده نیز کمبود نیروی کار برای معادن منجر به ورود کارگران اتباع به این حوزه شود که علاوه بر مشکلات حوزه کار، برهم خوردن نظم و تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار را در کشور موجب خواهد شد.»

ساداتی گفت: «کوتاهی مجریان قانون و بی‌توجهی برخی از کارفرمایان به اجرای قوانین، مقررات و الزامات حوزه ایمنی کار نظیر آموزش‌های این بخش و تأمین و تضمین امنیت شغلی و تجهیزات حوزه ایمنی، زمینه آسیب‌های جسمی و روحی نیروی کار را فراهم می‌کند. سؤال این است که پس از رخداد حوادث شغلی به‌ویژه در ارتباط با کارگاه‌های مشمول شرایط سخت و پرمخاطره کاری مانند کارهای معدنی یا فعالیت‌های ساختمانی چه نهاد یا افرادی امکان جبران صدمات وارده به کارگران و خانواده آنان را دارند؟»

او ادامه داد: «گاهی حتی کوتاهی از اجرای قوانین و مقررات حوزه کار و تأمین اجتماعی پس از صدمه جسمی، روحی و حتی فوت نیروی کار، تأمین معیشت خانواده او را با مشکل مواجه می‌کند.»



بسیاری از کارگران حادثه‌دیده و فوت‌شده با چالش‌های مذکور مواجه بودند.

این کارشناس حوزه کار گفت: «متولیان حوزه کار و دولت باید به این نکته توجه کنند که افراد شاغل در حوزه‌های مختلف کارگری به‌ویژه شاغلان کارهای سخت و زیان‌آور نظیر معدن با مخاطرات شغلی فراوان، نیازمند حمایت و تأمین موضوعات یادشده هستند. بسیاری از کارگران حوزه معدن به دلیل این مشکلات، پس از مدتی فعالیت در این بخش ناچار به ترک کار می‌شوند. پیشگیری از این وضعیت نیازمند اقداماتی است. به واسطه خطرات بسیار زیاد اشتغال در حوزه معدن و برخی دیگر از مشاغل پرخطر، بازرسان حوزه کار و تأمین اجتماعی باید نگاه ویژه‌ای به کارگران شاغل در این گونه کارها داشته باشند.»

نگاه ویژه متولیان به کارگران معدن

نایب‌رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی کشور افزود: «نبود شرایط ایمنی مناسب کارهای معدنی، عدم تأمین تجهیزات ایمنی به‌روز و لازم از طرف کارفرما برای کاهش ریسک حادثه و پیشگیری از آسیب‌های احتمالی پس از رخداد وقایع معدنی، دستمزد‌های نا کافی و کار سخت و زیان‌آور و بسیاری چالش‌های دیگر در ارتباط با شاغلان بخش معدن مطرح است و این وضعیت، نگاه ویژه متولیان حوزه کار را می‌طلبد.»

او بیان کرد: «حتی در صورتی که با نظارت‌های حوزه کار و تأمین اجتماعی پرداخت چهار درصد سهم حق بیمه مشمولان کارهای سخت و زیان‌آور نظیر کارگران بخش معدن در زمان قانونی صورت گیرد و این افراد بازنشتگی پیش از موعد را تجربه کنند، آسیب‌های جسمی کار در معدن در بلندمدت شامل حال آن‌ها خواهد شد.»

این فعال حوزه کارگری گفت: «حقوق و دستمزد نا کافی این بخش از نیروی کار که تناسبی با هزینه‌های زندگی و تأمین معیشت آنان ندارد هم به‌عنوان یکی از چالش‌های کارگران معدن به‌شمار می‌رود. لازمه حل آن افزایش حقوق است؛ چرا که شرایط کاری کارگران معدن ایجاب می‌کند

خواهد داشت.»

ساداتی در ادامه بر تأکید بر اینکه کارگران معدن در عمق زمین یا در دل کوه و در تونلی طویل اما تنها به ارتفاع حداکثر ۶۰ سانتی‌متر مشغول به‌کارند، افزود: «این شرایط به‌ویژه برای نیروی کارگری شاغل در معادن زغال‌سنگ سخت‌تر است. بسیاری از کشورها به دلیل احتمال بالای خطرات و حوادث شغلی، برداشت زغال‌سنگ را ممنوع اعلام کرده‌اند. به‌هر حال در شرایط امروز، اولویت اساسی در حوزه کارهای معدنی را برای کارگران شاغل در این کارگاه‌ها باید آموزش‌های ایمنی و گذراندن دوره‌های مهارتی قلمداد کرد.»

کارگران مشاغل سخت، نیازمند ارتقای معیشت

ساداتی، آراش فکری را لازمه شرایط دیگر شاغلان کارهای سخت به‌ویژه نیروی کار فعال حوزه معدن دانست و گفت: «اولویت دیگر مرتبط با فعالان معدنی کشور را باید در تزریق آراش فکری به کارگران این حوزه محسوب کرد؛ به‌عبارتی وجود آراش فکری برای کارگران معدن در کنار آموزش ایمنی و تجربه از اولویت‌هاست. مهم‌ترین راهکار برقراری آراش مذکور برای کارگران معدن را می‌توان در تأمین معیشت این بخش از جامعه کارگری جست‌وجو کرد.»

او اضافه کرد: «امنیت شغلی، تأمین معیشت خانوار، مسکن کارگری، دستمزد، سختی و خطرات شغلی و بسیاری موضوعات دیگر در حوزه دغدغه‌های شاغلان معدنی به‌شمار می‌رود و آراش این افراد منوط به تأمین حداقل‌ها در مسائل اشاره شده است.»

ساداتی یادآور شد: «با توجه به موقت بودن قراردادهای کارگران معدن و ثبت قراردادهای کوتاه‌مدت چندماهه با آنان، به هیچ عنوان تضمین استمرار کار برای این بخش از کارگران معنا ندارد. همچنین بخشی از این افراد به دلیل فرارهای بیمه‌ای برخی کارفرمایان از بیمه اجتماعی پایه برخوردار نیستند. این مهم در کنار عدم دریافت دستمزد کافی و نبود امنیت شغلی مسئله‌ای اساسی محسوب می‌شود. در معدن طیس و حادثه اخیر در این کارگاه نیز



گزارش

پیشگیری از حوادث شغلی براساس استانداردهای حوزه کار در کنار تأمین معیشت کارگران، تضمین امنیت شغلی، پوشش بیمه‌ای نیروی کار کارگری و بهره‌مندی از حقوق قانونی کار، موضوعاتی است که برای همه اقشار کارگری به‌ویژه شاغلان حوزه سخت و زیان‌آور نظیر فعالان بخش معدن الزامی است. کوتاهی از هر شاخص استاندارد حوزه کار و به‌طور خاص بی‌توجهی به ضروریات حوزه ایمنی نظیر آموزش، به‌روز رسانی استانداردهای ایمنی، تأمین تجهیزات کارآمد و ارتقای ایمنی کار در کارگاه‌ها امکان وقوع حوادث کار را افزایش می‌دهد. در این شرایط آسیب جدی به نیروی کارگری و جریان روند کار وارد می‌شود.

هادی ساداتی، نایب‌رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی کشور در گفت‌وگو با «آتیه‌نو» توضیحاتی درباره چالش‌های حوزه ایمنی کار و الزامات پیشگیرانه در رخداد این حوادث ارائه داده و عوامل الزامی در کاهش حوادث ناشی از کار را بررسی کرده است.

عمل به قوانین و مقررات حوزه کار در راستای بهبود معیشت جامعه کارگری، ارتقای ایمنی و توسعه فرهنگ کار و در نهایت بهبود شاخص‌های کاری جامعه کارگری مانند بهره‌وری نیروی کار ناشی از حفاظت و صیانت از جسم و جان نیروی کار، انتظار جامعه کارگری از مجریان و متولیان قانون است. رخداد بالای حوادث کار به‌ویژه در کارگاه‌های با مخاطره کاری بالا نظیر معادن یا کارگاه‌های ساختمانی اما، پیشگیری از حوادث شغلی را به‌عنوان اولویت حوزه کار مطرح کرده است.

آموزش، اولویت ایمنی کار

نایب‌رئیس کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی کشور با اشاره به اینکه مجموعه‌ای از عوامل وقوع حوادث معدنی و پیشگیری از این رخدادها را موجب می‌شود، گفت: «اولین و مهم‌ترین شاخص در ارتباط با پیشگیری از اتفاقات حوزه معدن را می‌توان آموزش ایمنی نیروی کار برشمرد. اینکه شاغلان حوزه معدن تا چه اندازه در ارتباط با شغل خود آموزش‌های ایمنی را فرا گرفته و به چه میزان تجربه حضور در این گونه مشاغل را دارند از درجه اهمیت بالایی برخوردار است.»

او در ادامه بیان کرد: «البته به صرف اینکه نیروی کار در حوزه کاری معدن آموزش دیده باشد برای پیشگیری از وقوع حوادث ناشی از کار در این بخش کفایت نمی‌کند. آموزش در ارتباط با کار معدن در قالب مهارت و آموزش ایمنی در حوزه فعالیت‌های معدنی باید به‌صورت هم‌زمان مورد توجه باشد.»

این فعال حوزه کار توضیح داد: «موارد اشاره شده را باید لازمه کار و فعالیت در حوزه معدن دانست. به این واسطه نیروی کار دارای تجربه اشتغال در معادن و آموزش دیده حوزه معدن امکان حفاظت از خود در برابر حوادث کار را

حوادث کار و تأثیرات آن بر سلامت جسم و روان کارگران، بهره‌وری کار و فضای کار و تولید از چالش‌های بسیار مهم حوزه اشتغال به‌شمار می‌رود. کاهش آمار حوادث شغلی را می‌توان در اجرای قوانین و مقررات ایمنی، بهبود وضعیت تجهیزات ایمنی کارگران، رعایت، به‌روز رسانی استانداردها، آموزش‌های ایمنی و همچنین بازرسی کار جست‌وجو کرد.

بازرسی کار به‌عنوان ابزار کنترلی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در قالب متولی حوزه کار و اشتغال، با بهره‌مندی از قوانین و مقررات و همچنین استانداردهای الزام‌آور این حوزه، نقشی تعیین‌کننده در برقراری قانون کار در فضای کارگاه دارد. بررسی وضعیت ایمنی کارگاه، آلاینده‌سنجی، ارزیابی رعایت استانداردهای ایمنی و بازدید تجهیزات ایمنی، بخشی از خروجی بازرسی کار در مسیر ارتقای ایمنی کار محسوب می‌شوند.

در واقع انجام بازرسی مستمر و دوره‌ای کارگاهی یکی از عوامل کاهش دهنده حوادث شغلی، فوت و آسیب‌های ناشی از آن برای جامعه کارگری به‌شمار می‌رود. همچنین کاهش حوادث شغلی با رعایت مقررات ایمنی در سایه بازرسی کارگاهی، نتایجی همچون حفظ سلامت نیروی کار، رشد تولید، انتفاع کارفرما و کاهش هزینه‌های ناشی از ارائه خدمات به آسیب‌دیدگان بیمه‌شده را برای سازمان تأمین اجتماعی در پی دارد.

بر اساس اعلام وزارت کار سالانه بالغ بر ۴۲۰ هزار بازرسی کارگاهی در سطح کشور برای نظارت بر حفظ و صیانت از نیروی کار و حسن اجرای قوانین حوزه کار به‌ویژه مقررات ایمنی انجام می‌شود. بخشی از این مجموعه بازرسی‌ها در ارتباط با شناسایی



اگر قرار بر اولویت‌بندی شاخص‌ها و الزامات مرتبط با جامعه کارگری باشد، به‌طور حتم اجرای موادی از قانون کار مرتبط با تناسب تورم، سبد معیشت و مزد، بر دیگر موضوعات نظیر چگونگی تعیین مزد

مانند دستمزد منطقه‌ای ارجحیت دارد. در این وضعیت اجرایی کردن قانون کار در حوزه ماده ۴۱ برای تعیین نرخ حداقل حقوق جامعه کارگری متناسب با وضعیت تورمی باید مورد توجه باشد. مزد منطقه‌ای به‌عنوان یکی از راهکارهای تعیین دستمزد کارگری، حتی در صورت تأثیرگذاری مثبت بر بازار کار و معیشت خانوار کارگران در اولویت پس از عملیاتی کردن

بندهای یک و دو ماده ۴۱ قانون کار قرار دارد. موضوع مزد منطقه‌ای در سال‌های اخیر به‌صورت ویژه از سوی نمایندگان کارفرمایی در شورای عالی کار مطرح شده و مورد بحث قرار گرفته است. جدای از میزان تأثیرپذیری فضای کسب‌وکار از اجرای این نوع مدل دستمزدی، زمان و شرایط عملیاتی کردن آن موضوع تبادول نظر گروه‌های کارگری، کارفرمایی و دولت بوده است. اولویت‌های مرتبط با جامعه کارگری نظیر تأمین معیشت و امنیت شغلی در این حوزه، از اولویت بالاتری برخوردار بوده‌اند.

به‌واسطه وجود الزامات اساسی قانونی در زمینه تعیین حداقل دستمزد کارگران، پیش از مذاکرات مرتبط با مزد منطقه‌ای، باید بندهای دوگانه ماده ۴۱ قانون کار در راستای تأمین معیشت خانوار کارگری مبتنی بر قوانین مصوب در دستور کار قرار گیرد. این مهم در دهه‌های گذشته کمتر محل بحث و تصمیم‌سازی قرار گرفته است.

در این ماده قانون کار دو شاخص اصلی نرخ تورم رسمی اعلامی بانک مرکزی و سبد حداقلی هزینه‌های زندگی یک خانوار متوسط برای تعیین حداقل دستمزد کارگران تعریف شده است. باید توجه داشت که شاخص‌های اشاره شده باید با اعتبار الزام‌آوری در تعیین حداقل دستمزد، مبنای مذاکره و تصمیم‌گیری قرار گیرند.

افزایش دستمزد به میزان تورم رسمی اعلامی و بر پایه نرخ سبد معیشت برآورد شده در کمیته مزد ذیل شورای عالی کار پیش از هر اقدامی در حوزه مزد الزام‌اجرائی دارد. پس از تعیین تکلیف این بخش از قانون و برقراری تناسب مزد، تورم و سبد معیشت خانوار کارگری، می‌توان سایر موضوعات قانونی و روش‌های پیشنهادی حوزه‌های مختلف کار نظیر دستمزد منطقه‌ای را در دستور کار قرار داد.

همان گونه که در قانون مزد مناطق مختلف مورد اشاره قرار گرفته، تعیین دستمزد اصناف مختلف نیز مورد تأکید است. بنابراین شاخص‌های مذکور در کنار یکدیگر معنا پیدا می‌کنند.

نمایندگان جامعه کارگری معتقدند که دستمزد منطقه‌ای به شرط تعیین تکلیف بندهای یک و دو ماده ۴۱ در تعیین مزد برمبنای تورم و سبد معیشت و همچنین پس از تعیین حداقل یا کف مزد برای همه استان‌ها باید در اولویت باشد. در واقع بعد از مشخص شدن وضعیت مؤلفه‌های اشاره شده برای تعیین دستمزد بالاتر از حداقل، می‌توان سراغ مزد اصناف و مزد منطقه‌ای رفت و در مورد سازوکارها و روش‌های اعمال آن گفت‌وگو و مذاکره کرد.

باید پذیریم پیاده‌سازی مدل مزد منطقه‌ای نیازمند زیرساخت‌ها و امکاناتی است که در صورت نبود یا کمبود آن‌ها، اعمال این روش پرداخت دستمزد، موجب بروز مشکلات و ناهنجاری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود. به‌عنوان نمونه مهاجرت از مناطق کم‌برخودار به پایتخت، کلان‌شهرها و مناطق برخوردارتر می‌تواند از تبعات اجرای غیرکارشناسی مزد منطقه‌ای باشد. حتی امکان افزایش فاصله مزی و تفاوت در سطح رفاه گروه‌های مختلف کارگری در کشور نیز از تبعات احتمالی اجرای مزد منطقه‌ای بدون توجه به اولویت‌هاست.

برای اجرای مزد منطقه‌ای، قبل از هر چیز نیاز به اجرای قانون در زمینه دستمزد داریم. باید اول مزد به سبد معیشت برسد، سپس زیرساخت‌های مزد منطقه‌ای در کشور فراهم شود تا بتوان در مورد پیاده‌سازی آن گفت‌وگو کرد؛ به‌عبارتی امکان عملیاتی کردن مزد منطقه‌ای قبل از اجرای بندهای الزام‌آور قانون و در نظر داشتن اولویت‌های ضروری کارگران وجود ندارد.

توجه به ظرفیت‌ها، بخشی از سیاست‌گذاری کاهش آمار حوادث و فوتی‌های حوزه کار در سال‌های اخیر بوده است.»

پرنده همچنین آموزش‌های ایمنی کار را بسیار مؤثر دانست و بیان کرد: «تأکید وزارت کار بر تعامل با شرکای اجتماعی و ظرفیت بالای آنان جهت کاهش حوادث کار و بهبود کیفیت بازرسی‌هاست. ما در وزارت کار برای افزایش کارآمدی حوزه ایمنی و بهداشت با استفاده از ابزار بازرسی، افزایش تعداد بازرسان کار را دنبال می‌کنیم.»

او همین‌طور با اشاره به اینکه در ماده ۹۳ قانون کار، ایجاد کمیته‌های حفاظت بهداشت کار پیش‌بینی شده، توضیح داد: «در حال حاضر ۲۳ هزار کمیته در سطح کشور مشغول به‌کارند و افزایش تعداد آن‌ها به ۱۰۰ هزار مورد نیز برنامه‌ریزی شده است.»

قانون تضمین‌کننده ایمنی کارگران

بر مبنای ماده ۹۳ قانون کار، کارگاه‌های بالای ۲۵ نفر نیروی کار شاغل باید از کارگروه حفاظت فنی و بهداشت کار بهره‌مند باشند. همچنین به استناد مواد ۸۵ و ۹۵ قانون کار، تأمین شرایط ایمن محیط کار، تأمین تجهیزات ایمن، ماشین‌آلات ایمن، آموزش ایمنی به کارگران، وسایل حفاظت فردی، آموزش فنی و نظارت نیز بر عهده کارفرمایان است.

تأکید قانون کار بر حفظ و صیانت از نیروی کار، اقدامات و سیاست‌گذاری وزارت کار در اجرای بازرسی کارگاهی، تعامل شرکای اجتماعی در قالب کارفرمایان و کارگران در اجرای قوانین و مقررات ایمنی و همکاری با بازرسان جهت ارتقای ایمنی کارگاه و کاهش آمار حوادث شغلی را می‌توان عوامل مؤثر در ایجاد محیط ایمن کارگاهی و شکل‌گیری روند کاهش حوادث ناشی از کار دانست.



اقدامات هدفمند حوزه بازرسی را الزامی کرده است. احمدرضا پرنده، مدیرکل بازرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تأکید بر اهمیت تعامل این وزارتخانه با شرکای اجتماعی جهت انجام بازرسی و کاهش حوات شغلی، به «آتیه‌نو» گفت: «اجرای قانون، کاهش حوادث شغلی و روند نزولی آمار فوت ناشی از این اتفاقات را می‌توان بخشی از خروجی روند بازرسی کار دانست.» او در ادامه به اجرایی کردن رویکرد جدید

ویژه وزارت کار در ارتباط با شناسایی کارگاه‌های پرخطر اشاره کرد و افزود: «با توجه به کمبود نیروی بازرسی کار، برنامه‌ریزی برای حضور بازرسان در مناطق با ریسک بالا و پرخطر به‌طور ویژه و هدفمند دنبال می‌شود. در واقع هدفمند کردن بازرسی‌ها با

و رفع مشکلات و چالش‌های حوزه کارگاه‌های پرخطر و کاهش احتمال مخاطرات و ریسک در این کارگاه‌ها صورت می‌گیرد. با اعلام وزارت کار در حال حاضر ۸۰۰ نفر بازرس، اقدامات مربوط به بازرسی از کارگاه‌های مشمول قانون کار را در سطح کشور انجام می‌دهند.

بازرسی هدفمند

کمبود بازرسان وزارت کار در حوزه بازرسی از کارگاه‌ها، ظرفیت‌های قانونی مشخص، تقسیم‌بندی کارگاه‌ها براساس ریسک بالای حوادث شغلی و خروجی داده‌های آماری مربوط به حوادث کار در سال‌های اخیر، مجموعاً الزام برنامه‌ریزی و